



زهرا طیبی
چهرنگار گروه سیاست

بساراک اوپاما، یک ماه پیش از امضای برجام (خرداد ۹۴) در گفت‌وگو با تلویزیون ۲ اسرائیل و درواکش به اعمال فشار صهیونیست‌ها برای حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران به‌عنوان گزینه مطلوب، گفته‌بود «عملیات نظامی (به تاسیسات هسته‌ای) با مشارکت آمریکا، مشکلی راحل نمی‌کند... سرعت برنامه هسته‌ای ایران را موقتا کاهش می‌دهد، اما آن را نابود نمی‌کند.» اوپاما این موضوع را به خاطر هراسش از جنگ نگفته بود. ابعاد و دانش و فناوری هسته‌ای ایران این گزاره را اثبات می‌کرد که حمله نظامی به تاسیسات، برنامه هسته‌ای را نابود نمی‌کند و به همین خاطر رئیس جمهور پیشین آمریکا معتقد بود، دیپلماسی تنها گزینۀ مطلوب برای کنترل برنامه هسته‌ای ایران است. این نکته را رابرت گیتس، وزیر دفاع دولت بوش و اوپاما هم تکرار کرد و گفت حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران «نهایتا یک تا دو سال برایمان زمان می‌خرد.» بامداد یکشنبه اما ترامپ با تصور آنکه آنچه نمی‌تواند، در میز مذاکره با ایران بگیرد در حمله نظامی به دست خواهد آورد، تجاوزاتی را به تاسیسات

هسته‌ای فردو، نطنز و اصفهان انجام داد و اشتباهی را مرتکب شد که مدعی بود اوپاما به خاطر ناتوانی از امضای توافق با ایران، نهایتا آن را اجرایی می‌کرد.



دانش بومی، بمباران شدنی نیست

ویژگی متمایز دانش هسته‌ای ایران با دیگر کشورهای منطقه که اسرائیلی‌ها به خاطر نگرانی از تهدید بودن آن برای خودشان به نابودی آنها دست زده‌اند، این است که فعالیت هسته‌ای ایران، غنی‌سازی اورانیوم و تولید سوخت در ایران به روش بومی تولید شده است. بعد از آنکه غربی‌ها واردات سوخت ۲۰ درصد برای استفاده در رادیوداروها را به ایران ممنوع کردند، ایران خود به سمت تولید غنی‌سازی رفت. از همان زمان هم صهیونیست‌ها برای متوقف کردن پیشرفت هسته‌ای ایران، دست به ترور دانشمندیان زدند که پیشگامان مستدییایی به‌دانش هسته‌ای بومی بودند. مستدییایی به‌این دانش، همانند دانستن دستور پخت یک غذای خاص است، حتی اگر آتشیز غذای در کار نباشد و مواد غذایی برای پخت نباشد به محض فراهم شدن شرایط، امکان پخت دوباره غذا فراهم می‌شود. حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران در بامداد یکشنبه از این جنبه قابل تحلیل است. فارغ از اینکه ابعاد این تجاوز چقدر گسترده بوده و میزان خسارات وارد شده به این تاسیسات چقدر است، تصور اینکه برنامه هسته‌ای ایران با حمله به این

چرا برنامه اتمی ایران فراتر از فردو است؟

گزینه هسته‌ای

هنوز روی میز است

شدن این تهدیدات، صراحتا اعلام کردند که مواد غنی‌سازی شده ایران از محل تاسیسات خارج و در مکانی امن، نگهداری می‌شود. بعد از اعلام خبر این تجاوز، در حالی‌که افراد محلی، هیچ نشانه‌ای از حمله یا انفجاری غیر متعارف، ناشی از هدف قرار دادن این تاسیسات احساس نکردند، «کاردان» معاون سازمان انرژی اتمی گفت «بعد از حمله هیچ‌گونه آلودگی پر توتوی و تشعشعات هسته‌ای خارج از سیات‌ها» وجود ندارد. از طرف دیگر واشگنگتن‌پست در گزارشی مدعی شد تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد که دو روز پیش از حمله آمریکا، ۱۶ کامیون از تاسیسات فردو خارج شده و به مکان‌های دیگری منتقل شده است. گزارشی که این احتمال را تقویت می‌کند که ایران پیش از تجاوز، مواد غنی‌سازی شده را از این سایت هسته‌ای خارج کرده باشد. اینکه خبری از تشعشعات بعد از این حمله نیست، دو دلیل دارد. دلیل اول آنکه سوخت اورانیومی در این مرکز وجود نداشته و ادعای واشگنگتن‌پست درست است، نکته دیگر هم این است که آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند ورودی و خروجی تاسیساتی مثل فردو را مورد حمله قرار دادند. اگر چه برخی تصاویر حاکی از آن است که تمهیداتی هم برای کاهش شدت این حملات احتمالی، صورت گرفته و ورودی‌های تاسیسات فردو با خاک پوشانده شده بود، اما ادعای آمریکایی‌ها مبنی بر هدف قرار دادن ورودی و خروجی این تاسیسات، این گمانه را تقویت می‌کند که برخلاف فضا سازی‌ها و نمایش‌های رسانه‌ای، تجاوز به‌گونه‌ای نبوده که منجر به تخریب کامل سایت‌های هسته‌ای ایران شده باشد. موضوعی که برخی مقامات آمریکایی هم به آن اعتراف کردند. رئیس ستاد مشترک آمریکا روز گذشته در نشست خبری اشاره کرد ارزیابی دقیقی از میزان خسارات وارد شده به این تاسیسات وجود ندارد و گفت: «برای من خیلی زود است که در مورد آنچه ممکن است هنوز وجود داشته باشد یا نباشد، اظهار نظر کنم.» با فرض صحت، هرکدام از احتمالات مطرح شده و با توجه به اینکه خبری از تشعشعات در مناطق اطراف نیست، این گزاره اثبات می‌شود که اوپانیم‌ها دست نخورده باقی مانده یا در مکانی امن نگهداری می‌شوند هنوز دستاوردهای بار ارزش هسته‌ای ایران که آمریکایی‌ها به دنبال نابودی و خروج آن از میز مذاکره بودند، در خاک کشور است و در صنعت و فناوری‌های مورد نیاز قابل استفاده خواهد بود.

خودتان خواستید!

جدای از آنکه میزان خسارات وارد شده به تاسیسات ایران، چقدر بوده و اینکه آیا این تجاوزات توانسته تمام این تاسیسات را نابود کند یا خیر، دانش و فناوری هسته‌ای و سوخت‌های تولید شده در این سایت‌های هسته‌ای همچنان در اختیار ایران قرار دارد. شاید بهتر بود ترامپ به صحبت‌های وزیر دفاع دولت بوش توجه می‌کرد که شاید حمله به تاسیسات هسته‌ای بتواند یک تادو سال برای آنها زمان بخرد اما برای نابودی فعالیت هسته‌ای ایران، گزینه مطلوبی نخواهد بود؛ چراکه حالا و پس از تجاوز آشکار آمریکایی‌ها به این تاسیسات، این احتمال وجود دارد که رفتار ایران برای ادامه همکاری با آژانس که رویکردی سیاسی کارانه دارد، تغییر کند و نکته دیگر که برای آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها تهدید بزرگ‌تری خواهد بود، این است که این بار تاسیسات هسته‌ای در مکان‌هایی احداث شود که حتی پیشتر بهترین بمب‌های آمریکایی هم نتوانند به آن آسیب برسانند. تجاوز آمریکایی‌ها به تاسیسات هسته‌ای ایران شرایط را برای آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها پیچیده‌تر خواهد کرد. جدای از آنکه ممکن است بدکترین هسته‌ای ایران تغییر کند، تبعات تغییر رفتار ایران بعد از این تجاوز، مستقیما متوجه آمریکایی‌ها خواهد بود.



سیاست خود را به ایران تحمیل خواهد کرد. نباید فراموش کرد نتیجه این جنگ و درگیری‌ها تاثیر مستقیم و فوری بر روابط ایران با همسایگان خود نیز خواهد گذاشت. اما لایه سوم اقتصادی است. مهم‌ترین عامل بازدارنده برای کشورهای سر میاده‌اری، موضوع اقتصادی و افزایش هزینه‌های مالی اقدامات آنهاست. اکنون زمینه مناسب برای تسلط ایران بر خلیج فارس و نظارت و مدیریت بر تردد آبی و محدود کردن ناوها و کشتی‌های آمریکایی در منطقه وجود دارد. این به معنای بستن تهر که هم نیست و این اقدام برای منافع ایران مناسب به نظر نمی‌رسد. اما اقتصاد جهان و خاصه اروپا باید بدانند امنیت اقتصاد نفت و منطقه در گروی اراده و نظارت ایران خواهد بود و به‌عنوان یک اهرم فشار به غرب با آن استفاده شود. اما این موضوع فقط به نفت محدود نمی‌شود و اقتصاد فناوری و هوش مصنوعی که در حال حاضر در منطقه در حال شکوفایی است نیز می‌تواند مورد تهدید قرار گیرد. اگر چه نفت همچنان ارزش اقتصادی خود را دارد، اما فناوری به عنصر راهبردی عصر حاضر تبدیل شده و باید به‌نحو راهبردی از آن استفاده کرد. شرکت‌های فناوریانه زیادی در منطقه حضور دارند که اصالت آن‌ریکایی دارند و همکاری نزدیکی با رژیم صهیونیستی. تهدید داریی‌ها و دفتار این شرکت‌ها در منطقه به‌دلیل همدستی با رژیم اسرائیل می‌تواند نگرانی مناسبی در بازارهای اقتصادی دانش بینان ایجاد کرده و بدون درگیری مستقیم هزینه اقدامات رژیم اسرائیل و آمریکا را بالا ببرد و حتی مانع از اقدامات آنها شود. دورانی که در آن زیست می‌کنیم، دورانی پیچیده و جنگی که با آن روبه‌رو هستیم نیز پیچیده و دشوار است. لذا ضرورت دارد در تقابل با دشمنان، با تدبیر مناسب و در سطوح مختلف و چند لایه برنامه‌ریزی و اقدام کنیم تا بتوانیم قدرتمندتر از قبل و با پیروزی و افتخار از این مرحله نیز خارج شویم.



پردازش در مورد شدت آن نیز از این جهت اهمیت دارد که باب حملات بیشتر به ایران را باز نگه می‌دارد. لذا راهبرد تن دادن به صلح تحمیلی ترامپ مبنی بر عقب‌نشینی از مسئله هسته‌ای صرفا بهانه‌جویی است و به این هدف انجام می‌شود که در صورت مسئله هسته‌ای نیز دولت ترامپ در نهایت خود را وارد این معرکه می‌کرد و آنچه اکنون باید تمام کشور بر آن تمرکز داشته باشد طراحی برای پاسخ‌های بازدارنده با اتکا به حمایت‌های مردمی است که به طور روزافزونی در حال شکل‌گیری است.

تاسیسات نابود شود، همانند دیگر محاسبات صهیونیست‌ها در جریان تجاوز به ایران غلط از آب در خواهد آمد. این تجاوز شاید بتواند وقعه‌ای کوتاه‌در برنامه هسته‌ای ایران ایجاد کند، اما نمی‌تواند دانش هسته‌ای ایران را که اکتسابی و بومی شده است نابود کند، کماتینکه در سال‌های گذشته ترور دانشمندان هسته‌ای نتوانسته برنامه هسته‌ای ایران را نابود کند و خرابکاری مشابه در متوقف کردن این فناوری، موفق نبوده است. حمله نظامی به این تجهیزات، به جز نمایش و شوی رسانه‌ای، دستاوردی دیگر در راستای نابودسازی برنامه هسته‌ای ایران برای صهیونیست‌ها به همراه نخواهد داشت.

دامی که ترامپ بالاخره در آن افتاد

ترامپ بالاخره در دامی که نتانیاهو برای او پهن کرده بود، افتاد. او که ۱۲ سال قبل مدعی شده بود: «رئیس جمهور اوپاما به خاطر ناتوانی در مذاکره درست» نهایتا به ایران حمله خواهد کرد، حالا خودش دست به این تجاوز نظامی زده است. ترامپ با این تصور که آنچه نمی‌تواند در میز مذاکره از ایران بگیرد «یعنی تعلیق کامل برنامه غنی‌سازی ایران» می‌تواند در حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای به دست بیاورد، دست به این تجاوز نظامی زد. او حتی برای انجام این تجاوز منتظر این نماند که مهلت دوهفته‌ای که از آن صحبت می‌کند، به پایان برسد. اما اگر کمی به صحبت‌های رقیب دموکراتش، اوپاما که تجربه چندین ساله مذاکرات با ایران را دارد، توجه می‌کرد، به این موضوع می‌رسید که حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران، نمی‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را به‌طور کامل نابود کند. ترامپ هم دچار همان خطای محاسباتی نتانیاهو شد. فارغ از آنکه ایران پیش‌بینی این تجاوز را کرده و تمهیداتی برای مقابله با آن اندیشیده بود، ورود او به این نزاع، شروع هزین‌سازی برای آمریکا در منطقه خواهد بود. گزاره دیگری که در این مورد محتمل است این است که آمریکایی‌ها برای نجات نتانیاهو و تغییر معادلات جنگ به نفع صهیونیست‌ها مستقیما وارد این نزاع شده‌اند. جدای از اینها، اصل موفقیت آمیز بودن تجاوز نیز محل تردید است. در مورد اینکه آمریکایی‌ها از چه تجهیزاتی برای هدف قرار دادن تاسیسات هسته‌ای ایران استفاده کرده‌اند، گمانه‌زنی‌های مختلفی مطرح شده است. رسانه‌های آمریکایی بر مبنای نقشه‌ای که بنتاگون منتشر کرده می‌گویند «۶ فرود بمب افکن B۲ در این حمله شرکت داشتند و نزدیک به ۳۰ فرود موشک کروز تاما هوک هم از زیر دریایی‌های آمریکا، به‌سوی تاسیسات نطنز و اصفهان شلیک شده‌است.» بمب افکن‌های آمریکایی قابلیت تخریب در عمق ۶۰ متری زمین را دارند. فارغ از اینکه ادعای این رسانه‌ها در مورد تجهیزات استفاده شده، چقدر واقعی است یا خیر اما تاسیسات هسته‌ای و زیر زمینی ایران با توجه به همین تهدیدات احتمالی، تاسیس و ایجاد شده است. سایت جدید نطنز در عمق ۸۰ تا ۱۰۰ متری زمین قرار دارد و تاسیسات فردو در جنوب قم در عمق ۸۰ تا ۹۰ متری سطح کوهستان قرار دارد. با این حساب به نظر نمی‌رسد، در خلاف ادعای آمریکایی‌ها، آسیمی به تاسیسات زیر زمینی رسیده باشد و به‌طور کامل تخریب شده باشد.

آمریکایی‌ها هم نمی‌توانند

نابودی کامل تاسیسات را تایید کنند

این تهدید از قبل وجود داشت و ایران نیز احتمالش را می‌داد که بعد از شکست نتانیاهو در مواجهه با پاسخ‌های ایران، آمریکا وارد این نزاع شود. از آنجایی هم که اسرائیلی‌ها تجهیزات لازم برای نابودی برنامه هسته‌ای ایران را نداشتند، ورود مستقیم آمریکا دور از انتظار نبود و روشن بود که هدف قرار دادن سایت‌های هسته‌ای ایران یکی از این اهداف خواهد بود. مقامات ایرانی هم از زمان پرنرگ



برنامه هسته‌ای خود را به این ابهام گره زده و طرف مقابل را در موضع تردید نگه دارد. طبیعتا با توجه به اقدام نظامی آمریکا لایه دوم می‌بایست پاسخ نظامی متناسب باشد. برای بازتنظیم موازنه بین دو کشور، ضرورت دارد ایران ابعاد حمله بدون مزاحمت آمریکا و تسلط بر آسمان و اهداف ایران را بر هم زند. برای این کار لازم است ضربه جدی به منافع آمریکا در منطقه یا خارج از آن وارد شود. چند هفته پیش از این نیز و‌های آمریکا در تقابل با یمن شکست خورده نهایتا با تحمل خسارت ناچار به ترک منطقه شدند. حمله ایران به منافع آمریکا باید قاطعانه و بازدارنده باشد تا در نردبان تنش، آمریکا انگیزه‌ای برای افزایش تنش نداشته باشد. همچنان سیاست خارجی آمریکا مبتنی بر گذار از غرب آسیا به شرق آسیا و مهار چین است. اما در تمامی این سال‌ها و در دوره ریاست جمهوری اوپاما مقدمه این امر حل و فصل وضعیت منطقه غرب آسیا بوده و هر رئیس جمهور سیاست خاص خودش را پیش برده است. در شرایط حاضر، ترامپ تصور می‌کند با عملیات انجام شده و حتی کمی توسعه این تنش به صورت محدود می‌تواند این پرونده را منتهو مه کرده و (پس از مهار اعراب در دوره قبلی) اکنون با تضعیف ایران از این مرحله عبور کند و اولین رئیس جمهوری باشد که به صورت عملیاتی به مهار چین بپردازد.

با این وصف، پاسخ ایران باید به نحوی باشد که واشگنگتن به این نتیجه برسد تداوم زودخورده‌ها منجر به کشانده شدن آمریکا به جنگی طولانی مدت و نابودی منابع آمریکا در منطقه خواهد شد. تنها در صورتی که ادواک آمریکا از هزینه جنگ با ایران تغییر کرده و گران باشد، کاخ سفید از ادامه جنگ خودداری خواهد کرد. در غیر این صورت، با معادله لبنان برای ایران شکل خواهد گرفت و با تحمیل صلح روند نامنی و زودخورده‌های مکرر ادامه خواهد یافت با با حفظ موازنه به نفع آمریکا، این کشور



عملیات فریب برای توجیه جنگ

ادعایی تصمیم گرفته که موضع تقابلی خود را علنی کند. آنچه در این میان مهم است این است که در نظر آوریم اولاً هرگونه تهاجم به ایران از جانب هر کشوری مستلزم برخورد است. آمریکا نیز از این قاعده مستثنی نیست، اما چنین پاسخخی را باید در قالب یک استراتژی کلان تر تعریف کرد که در نهایت موضع تقابلی ایران با رژیم صهیونیستی به عنوان جبهه اصلی نبرد را تقویت کرده و تمرکز بر آن همچنان حفظ شود. آمریکا با توجه به اقداماتی که در مورد انتقال غیر نظامیانیش به خارج از منطقه و جایگزین کردن آن‌ها

از همان اولین دقایقی که اسرائیل تهاجم به ایران را آغاز کرد واضح بود که مسئله برای این رژیم صرفاً تاسیسات هسته‌ای ایران نیست. چیزی که در ادامه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز به آن اعتراف کرد. آمریکا نیز مبتنی بر چنین استراتژی‌ای حمایت‌های خود از این رژیم را با تهاجم به سایت‌های هسته‌ای ایران علنی کرد. اگر چه ادعاها در مورد تهاجم بمب‌افکن‌های آمریکایی به ایران همچنان تأیید نشده و شدت ضربات وارده نیز با این ادعاها همخوانی ندارد؛ اما بالاخره ترامپ با طرح چنین

